

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

دین ذهنی ما خاصیت حیات بخشی ندارد!

شناسنامه مطلب	
t-119	کد مطلب
تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/تغییر بینش/نسبت به دین	رده
اصلاح اندیشه، حقیقت دین، تقلید، مفاهیم دینی	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نمو

nomov.ir

دشمن در طول سالیان، معانی مفاهیم دینی را در نظر مسلمین تغییر داده است و تا حدودی معانی صحیح این واژگان از بین رفته اند. فلذا می بینیم در مراکز تحصیلاتی، بعضا مشاهده می شود، فردی که تا دیروز نماز شبش هم ترک نمی شد، چند روز دانشگاه رفته است و اکنون منکر خدا شده است و به نماز هم توهین می کند؛ چرا که واژه ها با معانی مغایر با معنای حقیقی شان به این فرد القاء شده است به صورتی که با این معانی، دین را با علم و واقعیات متضاد می پندارد.

دشمنان الهی همواره به صورت زیرکانه و ماهرانه با سرمایه گذاری هایی که دارد، از امیال و اعمال شیطانیش نتایج وسیعی می گیرد. نهایتا حتی اگر کسی حقیقت هم بگوید، مورد طعن قرار خواهد گرفت. و در نتیجه این افکارِ خطا، نسل به نسل در اذهان تثبیت می شود و فکر و عقل و ایمان نوجوان و جوان ما را نشانه می گیرد. و چه زیبا خداوند عالمیان، جهل و مقابله کردن این عده را در برابر حقائق بیان می کند.

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ عِبَادَنَا أَوْ لَوْ كَانُوا آبَائُهُمْ لَمْ يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ»^[۱]

و زمانی که گفته می شود که روی آورید به آنچه خدا نازل کرده و به رسول، گویند کافی است ما را روشی که پدرانمان را بر آن یافتیم اگر چه پدرانشان چیزی نمی دانستند و هدایت نمی پذیرفتند.

علامه طباطبایی (ره) در توضیح آیه چنین می فرماید: این آیه در مقام حکایت این معنا است که رسول الله (ص) که کارش بلاغ است و بس، آنان را بسوی خدا و بسوی آنچه از خدا به سویش وحی شده دعوت فرمود: پس دعوت رسول الله (ص) دعوت به حق است زیرا حق عبارت است از راستی که هیچ دروغی در آن راه نداشته باشد و علمی که جهل آمیخته به آن نباشد و از اینکه در آیه سابق افترا را با جهل و تعقل نکردن مردم در ادعایشان جمع کرده بود می فهمیم که وقتی ادعای آنان دروغ و جهل باشد قهرا ادعای پیغمبر جز صدق و علم (که همان حق است) نخواهد بود، مع ذلك مردم گفتار او را نپذیرفته در رد فرمایش او چنین استدلال کردند که ما دیدیم پدران ما چنین می کردند، و این همان تقلید باطل است، درست است که تقلید در بعضی از مواقع و در شرایط معینی حق و صحیح است، و باید که جاهل به عالم

رجوع کند، و این سیره‌ایست که همیشه در مجتمع انسانی و در جمیع احکام زندگی به حکم جبر جریان دارد، چون همه افراد نمی‌توانند بر جمیع ما یحتاج خود علم و تخصص پیدا نموده و رفع حوائج خود را بنمایند و ناگزیرند در هر مورد به عالم مربوط به آن رجوع نموده و از او تقلید کنند، لیکن در بعضی مواقع هم تقلید باطل است، و آن تقلید جاهل است از جاهل دیگری مثل خود، خلاصه همانطوری که سیره عقلا رجوع جاهل را به عالم صحیح می‌داند و آن را امضا می‌کند، همچنین رجوع جاهل را به جاهل دیگر مذموم و باطل می‌داند چنان که رجوع عالم را هم به عالم دیگر باطل دانسته و تجویز نمی‌کند که مردی علم خود را ترك نموده و علم دیگری را اخذ نماید.

و لذا خدای تعالی در رد این گونه تقلید فرموده: "أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ" و مفادش این است که عقل - اگر عقلی باشد - تجویز نمی‌کند که انسان به کسی که از علم بهره‌ای ندارد مراجعه نموده و هدایت و راهنمایی او را که گمراهی است مثل خود بپذیرد، این در حقیقت پیمودن راه خطرناک است، و سنت حیات اجازه نمی‌دهد انسان طریقه‌ای را سلوک کند که در آن ایمنی از خطر نیست، و وضع آن نه برای خودش و نه برای راهنمایش روشن نیست. [۲]

در این زمینه نظر شهید مطهری نیز قابل تامل است که می‌فرمایند:

در میان کشورهای دنیا به استثنای بعضی کشورها. کشورهای اسلامی عقب مانده ترین و منحط ترین کشورهاست. نه تنها در صنعت عقب هستند. در علم عقب هستند در اخلاق عقب هستند. در انسانیت و معنویت عقب هستند. چرا؟

باید اعتراف کنیم که حقیقت اسلام در مغز و روح ما موجود نیست بلکه این فکر اغلب در مغزهای ما به صورت مسخ شده موجود است. توحید ما توحید مسخ شده است. نبوت ما نبوت مسخ شده است و ولایت و امامت ما مسخ شده است اعتقاد به قیامت ما کم و بیش همینطور. تمام دستورهای اصولی اسلام در فکر ما تغییر شکل داده. در دین صبر است. زهد است. تقوا هست توکل هست... [3].

امروز غالباً می‌بینیم معانی و مفاهیمی که ما از اسلام داریم خاصیت حیات بخشی و ایجاد زندگی ندارد. پس ناچار باید تجدید نظری در این معانی و مفاهیم بکنیم. شاید مفهوم و تصور ما درباره‌ی این معانی و مفاهیم اشتباه باشد. ما باید تصور خودمان را تصحیح کنیم. [4] فکر دینی ما باید اصلاح شود

تفکر ما در باره ی دین غلط است. [5] طرز تفکر مسلمانان درباره ی اسلام آسیب دیده است. در هفته ی گذشته عرض کردم فرق بین اینکه یک آیین و مکتب خودش در ذات خودش زنده باشد و اینکه طرز تلقی مردمی که آن را پذیرفته اند به صورت زنده ای باشد ممکن است خود آئین، جوهره حیاتی داشته باشد ولی آن طرز تفکری که مردم درباره ی آن دارند طرز تفکر صحیحی نباشد. بنابراین وقتی عرض می کنیم طرز تفکر مسلمین در عصر حاضر درباره ی اسلام آسیب دیده است مربوط به تلقی ما مسلمین از اسلام است. [6]

[۱]. سوره مائده / آیه ۱۰۴

[۲]. ترجمه المیزان - ج ۶، ص ۲۳۳

[۳]. ده گفتار - ص: ۱۲۷

[۴]. احیای تفکر اسلامی. ص: ۶۸

[۵]. ده گفتار - ص: ۱۳۰

[۶]. احیای تفکر اسلامی ص: ۳۳